

سه شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۲۹۲



فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

والله تا حالا نتر سیده‌ام

اگر من یک وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیز نمی‌ترسم بحمدالله تعالی. والله تا حالا نتر سیده‌ام. آن روز هم که مرا ایه زندان آمدی پرندن، آنها می‌ترسیدند؛ من آنها را تسلیت می‌دادم که نترسید!

سیدروح‌الله موسوی خمینی *صحیفه امام*
سخت‌رانی در مسجد اعظم قم – ۲۶ فروردین ۱۳۴۳
جلد ۱، صفحه ۲۹۳

چنین کنند بزرگان

یکی از مریدان عارف بالله مرحوم آقاشيخ محمدحسین زاهد- قدس سره – که قریب به ۵ هزار نفر را در تهران با رفتار و گفتار خود تربیت کرده بود و سوزوگداز مناجات سحرش شوری وصفناشدنی برپا می‌کرد، می‌گوید: آقا مادر پیری داشت که ایشان مراقبت از او را بر عهده گرفته بود. ضعف و ناتوانی این مادر به حدی بود که نمی‌توانست برای قضای حاجت به دستشویی برود، لذا آقا برای قضای حاجت مادرش، لگنی را قرار می‌داد و وقتی مادر، چند ضربه به این لگن می‌زد، آقا متوجه می‌شد که وقت برداشتن لگن است.

روزی به در منزل آقا رفته، هر چه در زدم، آقا در را باز نکرد، خیلی طول کشید تا آقا بایلد، وقتی آقا در را باز کرد، دیدم لباس‌شان خیس شده. سوال کردم چرا لباس‌تان خیس است؟ فرمودند: موقعی که مادرم به لگن زده بود، من متوجه نشدم و کمی دیر رفتم، همین که نزد مادر رفتم، از عصبانیت لگدی به لگن زد و لباس من نجس شد.

عرض کردم: وقتی لباس‌تان نجس شد، مادر تان چیزی نگفت؟! آقا فرمود: چرا! وقتی مادرم دید که لباس‌م رانجس کرده‌است، گفت:ننه!حسین!انجست کردم؟! جواب دادم: مادر چیزی نشده. این همه من شما را در کودکی نجس کردم، شما چیزی نگفتید، حالا هم چیزی نشده و عیبی ندارد.

جعفر صالحان/ سلوک با همسر
نشر اثر
صفحه ۳۹

در خواست حاج اسماعیل دولابی از شهید ابراهیم هادی

با ابراهیم داخل یک خانه رفته‌یم. چندبار با الله گفت. وارد اتاق شدیم. چند نفری نشسته بودند. پیرمردی با عیای مشکلی و کلاه‌ی کوچک بر سر، بالای مجلس بود.

به همراه ابراهیم سلام کردیم و در گوشه اتاق نشستیم. صحبت حاج‌آقا با یکی از جوان‌ها تمام شد. ایشان رو کرد به ما و با چهره‌ای خندان گفت: آقا ابراهیم! راه کم کردی، چه عجب این طرف‌ها؟ ابراهیم سر به‌زیر نشسته بود، با ادب گفت: شرمندۀ حاج‌آقا وقت نمی‌کنیم خدمت برسیم.

همین‌طور که صحبت می‌کردند فهمیدم ایشان، ابراهیم را خوب می‌شناسد. حاج‌آقا کمی با دیگران صحبت کرد. وقتی اتاق خالی شد رو کرد به ابراهیم و با لحنی متواضعانه گفت: آقا ابراهیم! ما را به یک نصیحت کن!

ابراهیم از خجالت سرخ شده بود. سرش را بلند کرد و گفت: حاج‌آقا تو رو خدا ما را شرمندۀ نکنید. خواهش می‌کنم این‌طوری حرف نزنید. بعد گفت: ما آمده بودیم شما را زیارت کنیم. آن‌شالله در جلسه هفتگی خدمت می‌رسیم، بعد بلند شدیم، خداحافظی کردیم و بیرون رفته‌یم.

بین راه گفتم: ابرام‌جون! تو هم به این بابا یک کم نصیحت می‌کردی دیکه، سرخ و زرد شدن نداره! با عصبانیت پرید توی حرقم و گفت: چی می‌گی امیرجون، تو اصلا این آقا را شناختی؟! گفتم: نه، راستی کی بود؟!

جواب داد: این آقا یکی از اولیای خداست اما خیلی‌ها نمی‌دانند. اینشون حاج میرزاالسماعیل دولابی بودند.

سال‌ها گذشت تا مردم حاج‌آقا دولابی را شناختند. تازه با خواندن کتاب «طوبای محبت» فهمیدم که جمله ایشان به ابراهیم چه حرف بزرگی بود.

امیر منجر / سلام بر ابراهیم
انتشارات گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی
صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶

مشهور اما تنها

این گفته هملت که «دیگر تنها هستم»، نقل حال من بود. آن روز بعدازظهر خیابان‌ها را گز می‌کردم و به تماشای مغازه‌هایایستادم و بیخودی سر چهارسوی خیابان‌ها توقف می‌کردم. اکنون چه بر سرم می‌آید؟ اینجا در اوج کار هنری‌ام بودم؛ سر تا پا آراسته ولی جایی نداشتم بروم. آدم با اشخاص چگونه می‌تواند آشنا شود؟ منظورم اشخاص دلچسب است. همه مرا می‌شناختند ولی من هیچ‌کس را نمی‌شناختم. خرده‌خرده درونگرا می‌شدم و سخت به حال خودم افسوس می‌خوردم و افسوس افسردگی و ملال به جانم چنگ می‌انداخت و آزارم می‌داد. به یاد یکی از بازیگران موفق کمدی می‌استون می‌افتم که یک بار گفت: «بالاخره رسیدیم چارلی! این همه تلاش برای چیست؟» و من جواب دادم: «به کجا رسیدیم مگر؟»

چارلی چاپلین / سرگذشت من
جمشیدنوابی
انتشارات سپهروردی
صفحه ۲۲۹

حضرت امام حسین :«

کسی که با نیروگ و معصیت خدا، در پی به‌دست آوردن چیزی رود، کمتر به آنچه امید دارد می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد، دچار می‌شود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

فرهنگ وهنر

محمدامین همدانی، تهیه‌کننده انیمیشن پسر دلفینی در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

پیام فیلم‌هان ملی بود

است. وزارت اقتصاد به طور معمول صنایع خلاق را جدی نمی‌گیرد، چون ترنوبل مالی‌شان به نسبت صنایع سنگین زیاد نیست. اما ما هم از وزارت اقتصاد چنین مجوزی را برای نخستین‌بار در کشور گرفتیم و هم در سال ۱۴۰۰ در کنار صنایع سنگین، تندیس صادرکننده نمونه را از رئیس‌جمهور فقید دریافت کردیم که از طرف وزارت صمت معرفی شد. می‌خواهم بگویم این قبیل فعالیت‌ها در حال باز کردن جای خود هستند و اقداماتی را انجام می‌دهند که شاید بقیه سینمای ایران اصلاً به سمت آن نروند یا رفتن به سمت آن برای‌شان دشوار باشد. در حال حاضر، ما با «پسر دلفینی» همکاری موفق‌ی با روسیه رقم زده‌ایم، چه در زمینه سرمایه‌گذاری و چه در اکران.

■ اما به رغم تلاش‌هایی که برخی همکاران شما انجام داده‌اند، تاکنون ورود موفق‌ی به بازار چین نداشته‌ایم؛ بازاری که حتماً می‌دانید خود‌ها لب‌ود هم به‌شدت به آن توجه داشته و اهمیت دارد. دلیل این عدم توفیق را شما چه می‌دانید؟

ببینید، سینمای چین بازاری است که ورود به آن مطلقاً نشدنی است. اینکه عرض می‌کنم، نتیجه تجربه‌ای چند ساله است که دلایلش متعدد است اما به هر حال من در حوزه چین تلاش‌های زیادی کرده‌ام و تجربیاتم را بیان می‌کنم. چین به این دلیل که در حال تبدیل شدن به اقتصاد اول دنیا است و هر چیزی را که می‌خواهد تولید می‌کند و به‌صورت بومی یک بازار بیش از یک میلیاردی در دسترس دارد. شرایط ویژه‌ی دارد. به همین دلیل تیراژها در چین به‌شدت بالا می‌رود و هزینه‌های تمام شده به‌شدت پایین می‌آید، به گونه‌ای که هیچ کشور دیگری نمی‌تواند با آن رقابت کند. این می‌شود تعریف اقتصاد چین. درباره سینما هم همین وضعیت وجود دارد. وقتی درباره چین صحبت می‌کنیم، درباره بیش از ۶۰ هزار سالن سینما صحبت می‌کنیم که رقم‌ی معادل تمام سینماهای آمریکا و اروپا را شامل می‌شود. همین موضوع باعث می‌شود یک دفعه پر فروش‌ترین انیمیشن تاریخ را رقم بزنند، به این دلیل که بازار اصلی‌اش را خودشان دارند و حتی بدون نیاز به بازار بین‌المللی به چنین ارقامی می‌رسند. سینمای چین بخوبی می‌داند که نباید این بازار را در اختیار خارجی‌ها قرار دهد و این بازار برای ما هم قفل است. من این پیام را به تمام دوستانی که تلاش می‌کنند به بازار چین دسترسی پیدا کنند، می‌دهم که بازار آنها تنها در حوزه‌هایی مانند تلویزیون‌های‌شان قابل دسترسی است.

■ چه بازارهایی برای ما قابل دسترس تر به نظر می‌رسد؟
هر جایی که ما بتوانیم پایگاه بزنیم و استانداردهای لازم را رعایت کنیم و پروسه بومی‌سازی توزیع را شکل دهیم تا به جذب اسپانسر و ارائه درست محصول و تبلیغات و افتتاحیه درست و دوبله بسیار خوب و خواننده مطرح آن منطقه برسیم. همه اینها یک سری هزینه‌هایی دارد که در مجموع معادل هزینه تولید در همانجا خواهد بود اما این می‌تواند باعث شود آن محصول به عنوان محصول بومی در آنجا تبدیل به یک بمب شود. این بمب‌سازی در آن منطقه می‌تواند به کاری تبدیل شود که بعضاً از خود تولیدش امنیتش بالاتر باشد. حالا این موضوع شما در هر جایی که پتانسیلش بالا باشد و بتوانید به‌درستی اجرا کنید، می‌تواند جواب بدهد.

■ شما در کدام مناطق چنین کاری انجام داده‌اید؟
کاری که ما انجام می‌دهیم، در ۲ منطقه که اصطلاحاً CIS خوانده می‌شود، متمرکز شده است. یعنی منطقه آسیای میانه و روسیه، منطقه ترکیه و منطقه منا یا همین کشورهای عربی، در این مناطق،

ما به دلیل داشتن شعبه و دفتر مستقر فعال، این پروسه بومی‌سازی را به شکل بسیار حرفه‌ای و جدی پیش می‌بریم. در نتیجه، در این مناطق ما همواره امیدواریم کارمان تبدیل به یک برند موفق شود.

■ به لحاظ محتوایی هم تولید برای این کشورها با کشور‌های دیگر فرقی می‌کند؟
ببینید! «پسر دلفینی ۱» را به عنوان یک مثال در نظر بگیریم، شخصیت‌ها شیهه شخصیت‌های جنوب ایران بودند، کاراکترهای زن حجاب دارند و پوشش‌های‌شان لباس‌های محلی خلیج‌فارس و جنوب ایران است اما اقتدر این پروسه بومی‌سازی در روسیه درست اتفاق افتاد که ما وقتی در مصاحبه‌های‌مان از بچه‌های روس می‌پرسم این چه فیلمی بود که دیدید؟ می‌گفتند این یک انیمیشن روس است و نمی‌دانستند مال جای دیگری بوده. انیمیشن این قابلیت را دارد که در هر جای دنیا شما اگر آن را خوب ارائه بدهید، حتی اگر مطابق با فرهنگ خودتان باشد، ولی ارائه درست باشد، مخاطب کودک آنجا می‌تواند فکر کند این کار برای خودش ساخته شده تا راحت با آن ارتباط بگیرد. البته اینکه انیمیشن‌های اگزوتیک یعنی انیمیشن‌هایی خاص و قابل کشف برای فرهنگ‌های مختلف تولید شوند، الان در دنیا خیلی مرسوم شده. یعنی شما انیمیشن‌های مختلف جدید دیزنی را اگر نگاه کنید با فرهنگ‌های مختلف ارائه می‌شود. انکائتو (افسون) برای کلمبیاست، لوکا برای ایتالیاست، کوکو برای مکزیک است و اینها فرهنگ‌های مختلف را در خلاش معرفی می‌کنند و برای دنیا این قابل کشف و جذاب است.

■ در حال حاضر جایگاه انیمیشن ایرانی بین سایر کشور‌های دنیا کجاست؟

الان انیمیشن ما از کیفیت انیمیشن‌های ترک و عربی بالاتر است. روسیه در این زمینه حرفی برای گفتن دارد ولی اینطور نیست که بتوانیم بگوییم حتماً ما بالاتر است. وقتی به جاهای دیگر دنیا می‌رویم، در کره جنوبی هم با اینکه فیلم ما اکران خوبی داشت اما رقابت خیلی سخت بود. انیمیشن‌های کره‌ای حمایت‌های خیلی خوب دولتی دارند و در نتیجه پیشرفت کره در انیمیشن خیلی زیاد شده. با مثلاً در اروپا هم همینطور، در اروپا رقیب زیاد است و کارهای خاورمیانه‌ای شاید با حس و فرهنگ آنجا همخوان نباشد. با توجه به اینکه کیفیت رقبا هم کیفیت خوبی هست، کار کمی سخت است.

■ اکران سری اول پسر دلفینی احتمالاً کار را برای بازار بایی سری دوم آن راحت‌تر نمی‌کند؟

دقیقاً همین‌طور است. «پسر دلفینی ۱» در بیش از ۳۰ کشور دنیا اکران واقعی شده است، یعنی اکران گیشه نه اکران دعوتی. این فیلم به ۱۶ زبان دوبله شده و از شرق تا غرب دنیا پخش شده؛ از کره‌جنوبی تا روسیه و عربستان و از اروپا تا آفریقای جنوبی و برزیل. در آمریکای شمالی هم با یک پخش گسترده بسیار بزرگ به اسم لاینزگیٹ فیلمز (Lionsgate Films) که یکی از ابر کمپانی‌های تولید و پخش فیلم سینمایی است، پخش شده و در پلنفرم‌هایی رفته که برای خیلی‌ها شاید ایجاد حسرت بکند. مثلاً پلنفرم نتفلیکس، اپل تی‌وی و آمازون. در نتیجه راه برای اکران سری دوم آن تا حدود زیادی هموار است.

■ از وضعیت اکران فیلم‌تان در ایران افاشی بودید؟ آیا اساساً

نوروز فصل مناسبی برای اکران انیمیشن هست؟
ناراضی نبودیم. خصوصاً اینکه نوروز اسمال‌مان نوروزی بود که همراه شده بود با ماه مبارک رمضان و این در واقع شروع خوبی نبود در این‌ خاطر که الان کم‌کم شرایط فروش در حال بهتر شدن است اما اکران ۲ هفته اول خیلی مهم است و به آن ۲ هفته طلایی می‌گویند. هر فیلم باید در آن ۲ هفته‌ای برایش استقبال خیلی خوبی اتفاق بیفتد تا اینکه ادامه اکران بتواند با روند خوبی جلو برود. ما در نوروز و شب‌های قدر و تعطیلات عید برندیگ‌مان، انجام دادیم اما نتیجه مناسب را نگرفتیم. الان دیگر کمی سخت است که دوباره این برند را بتوانیم برای مخاطب بیاروییم بالا. «پسر دلفینی ۲» حالا دیگر برای مخاطب یک برند شنیده شده است که جدید نیست. دیگر بمب نمی‌توانیم منفجر کنیم. در نتیجه ما آن انفجار خبری ۲ هفته اول را از دست دادیم و هر چقدر هم که حالا ادعای این را داشته باشیم که فیلم خوبی است و در موج دوم مخاطب را خواهد آورد و دهان به دهان توصیه خواهد شد اما باز هم آن برندینگ اولیه خیلیی می‌توانست موثرتر باشد که ما آن را در ایران دیگر نداریم و داریم نزدیک می‌شویم به اکران روسیه این فیلم که از هشتم مه آغاز می‌شود و تدارکاتی آنجا دیدیم که فکر می‌کنیم از قسمت اول خیلی بهتر بتواند بفرشد.

■ با اینکه یک انیمیشن کودک با این محتوا ی ملی بعید است حاشیه‌سازی کند، اکران فیلم شما در داخل کشور

همان ابتدای کار با یک‌سری حواشی همراه شد. یک‌سری حواشی که مربوط به خواننده فیلم،

یعنی شروین حاجی‌پور می‌شد. اساساً چرا چنین انتخابی کردید و آیا از ابتدا حواشی

بعدی را حدس نمی‌زدید؟

شرکت سازنده فیلم «پسر دلفینی» و پیام تاریخی، سیاسی و فلسفی فیلم که از آن صحبت می‌شود، از ابتدا برای همه مشخص بود و این فیلمی بود که می‌توانست برای کشور به عنوان شاخص قرار بگیرد و در واقع کشور مابه‌چنین فیلم‌هایی احتیاج دارد تا بتواند پیام‌های خود را به دنیا منتقل کند و مفاهیم مهم و پیچیدهای که برای نظام وجود دارد را با زبان دیگری به مردم خود و نسل آینده انتقال بدهد. این فیلم، علاوه بر اینکه اقتصاد فرهنگ را فعال کرده و ارزآوری داشته و دانش‌بنیان است، پیام را توانسته در قالب جدیدی ارائه دهد. ما آمدم این فرهنگ بومی خلیج فارس و این قهرمان ملی را با تعریف‌های جدیدی ارائه دادیم و تحلیل‌هایی که درباره این فیلم می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی

می‌شود، تحلیل‌های بسیار عمیقی